

راز هولناک قتل با تبر در کوچه آرام مشهد



محمدنسی عمر زهی، عبدا... محمدی و... معرفی کرده و تنها یک بار نام واقعی خودش را با عنوان محمدنی «الف» بیان کرده است اما بعد از ارتکاب قتل دیگر هیچ سابقه ای

با به دست آمدن این اطلاعات، ماجرای انتقام هولناک به عنوان یکی از فرضیه های اصلی مورد بررسی قرار گرفت و فعالیت اطلاعاتی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی بر این موضوع متمرکز شد. بنابراین به دستور قاضی میرزایی، پرونده جنایت مسلحانه زیر ذره بین کارآگاهان قرار گرفت و مشخص شد حبیب... (مقتول) از حدود یک سال قبل وارد ایران شده است و در این مدت افرادی ناشناس او را تعقیب می کردند. پیگیری این سرخ ها که با نظرات مستقیم سرهنگ غلامی نائی (رئیس اداره جنایی آگاهی) همراه بود، کارآگاهان را به جوان ۳۴ساله ای به نام محمدنی رساند. تحقیقات بیانگر آن بود که روز وقوع جنایت، سه جوان سوار بر موتورسیکلت، مرد ۵۳ساله را در کوچه چهل و یوز به دام انداخته اند و او را با تبر به شکل فجیعی کشته اند که مشخصات عامل اصلی جنایت با جوان ۳۴ساله مطابقت داشت اما دامه بررسی ها نشان داد این جوان افغانستانی نیز به طور غیرمجاز وارد ایران شده و بعد از ارتکاب قتل به آن سوی مرز گریخته است. بررسی سوابق کیفری محمدنی نیز بیانگر آن بود که وی قبل از ارتکاب قتل، ۱۶بار در ایران دستگیر و به

در زندان های کشور ندارد. به همین دلیل رصدهای اطلاعاتی برای شناسایی و دستگیری وی وارد مرحله جدیدی شد اما باز هم او به طور مخفیانه و از راه های صعب العبور وارد ایران شده و با بررسی اوضاع دوباره به افغانستان گریخته بود. مدتی بعد با شناسایی راه های غیرقانونی ورود این متهم خطرناک به کشور، قاضی میرزایی دستورات محرمانه و خاصی را برای ردزنی متهم به قتل صادر کرد تا این که مشخص شد او قرار است دوباره از مرزهای غیرقانونی وارد ایران شود و به تهران برود. بنابراین همه مسیرها تحت کنترل قرار گرفت و محمدنی که دیگر ۳۷ساله بود از لحظه ورود زبیر چتر اطلاعاتی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت. به محض این که او به تهران ساکن شد، بلافاصله با صدور نایب قضایی از سوی قاضی شعبه ۲۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد و با همکاری یکی از نزدیکان مقتول، در تهران به محاصره پلیس در آمد و به جنگ قانون افتاد.

مادر و پدر خیالی عامل قاتل شدن پسر جوان

طی دوام پسریم با چاقو او را زد و روی زمین انداخت. این زن گفت: به خاطر شرایط روانی که پسرم داشت، ما هیچ کدام سر به سر او نمی گذاشتیم و جزیبقت نمی کردیم. در این مدت که از بیمارستان مرخص شده بود هم وضعیت خوبی داشت، فقط فکر می کرد او را زن و مرد دیگری بزگ کرده اند و همیشه با احترام درباره آن ها صحبت می کرد درحالی که ما هر روز ندمان را خودمان بزگ کردیم. بعد از گفته های این زن، پرونده پزشکی پسر جوان مورد بررسی قرار گرفت و متخصصان پزشکی قانونی برای بررسی دقیق وضعیت این جوان تشکیل جلسه دادند و تأیید کردند که او دچار بیماری روانی است. بعد از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست علیه متهم، بسا توجه به اینکه اولیای دم نیز اعلام گذشت کرده اند، پرونده برای رسیدگی به اتهام این جوان به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و متهم به زودی پای میز محاکمه می رود.

پدرم است. برادرم در اتاقش با صدای بلند موسیقی گوش می کرد، پدرم اعتراض کردم و از او خواست صدا را کم کند، اما برادرم عصبانی شد و با چاقو به دنبال پدرم درحالی که پدرم داشت فرار می کرد، او را در راه پله به قتل رساند. مأموران پسر جوان را بازداشت کردند. او به قتل پدرش اعتراف کرد، اما مدعی شد علت این قتل صدای بلند موسیقی نبود. متهم گفت: پسر و مادرم من را به دنیا آوردند، اما آن ها مرا بزگ نکردند و دو نفر دیگر من را بزگ کردند که من خیلی آن ها را دوست داشتم. پدرم به آن ها حسادت می کرد، به همین دلیل یک روز به خانه شان رفت و آن ها را به قتل رساند. من بابت این موضوع از دست پدرم عصبانی بودم و او را به خاطر اینکه ناپدری و نامادری ام را کشته بود به قتل رساندم. وقتی پسر جوان چنین ادعایی را مطرح کرد، مادر و خواهر او یکبار دیگر مورد بازجویی قرار گرفتند، اما آن ها گفتند ایسن جوان دچار بیماری روانی است. مادر

گروه حوادث- برادرم در اتاقش با صدای بلند موسیقی گوش می کرد، پدرم اعتراض کردم و از او خواست صدا را کم کند، اما برادرم عصبانی شد و با چاقو به دنبال پدرم درحالی که پدرم داشت فرار می کرد، او را در راه پله به قتل رساند.

پسری که پدرش را کشته است، مدعی شد او را زوج دیگری بسزگ کرده بودند و پدرش آن ها را به قتل رسانده بود. این پسر به زودی در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می شود. یک مسال قبل دختر جوانی آشفته و پریشان به خیابان آمد و از مردم درخواست کمک کرد و گفت پدرش زخمی شده است. زمانی که مأموران به محل رفتند، تحقیقات گسترده ای را در این خصوص آغاز کردند و متوجه شدند مرد مجرد و روح جانش را از دست داده است.

انتقام کودکان شاگرد قهوه خانه از خواهرش



گروه حوادث- شاگرد قهوه خانه از خواهرش انتقام برداشت. روز حادثه دوباره باهم دعویاتان شده بود. وقتی وارد خانه شدم مادر و تکه پارچه ای داشت مادرم را خفه می کرد از دیند این صحنه به قدری عصبی شده که به طرف پدرم هجوم بردم و بعد از اینکه مادرم را از دستش نجات دادم، همان پارچه را دور گردن پدرم پیچیدم تا کسی به راز ما پی نبرد.

بیمارستان مشهد در رابطه با این حادثه استعلام کردند و بررسی ها نشان داد که اظهارات خواهر میلاد درست بوده و پدرش به خاطر بیماری قلبی در بیمارستان فوت کرده است. بدین ترتیب به دستور بازپرس غلامی از شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران بار دیگر میلاد احضار و تحت بازجویی قرار گرفت. وی که متوجه شد دروغش برملا شده گفت: از خواهرم کینه به دل داشتم. می خواستم از او انتقام بگیرم. من یک کارگر ساده قهوه خانه هستم و شب ها نیز همانجا می خوابم. اما خواهرم پرستار است و برای خودش خانه و زندگی و کار آبرومندانه ای دارد. چه اختلافی با خواهرت داشتی؟ وقتی پدرم فوت کرد، تأمین خرج و مخارج زندگی بر دوش من بود. دانشجوی نرم افزار کامپیوتر بودم اما بعد از چند ترم مجبور شدم دانشگاه را رها کنم. بعد از مدتی نیز به تهران آمدم اما خواهرم به درس خواندنش ادامه داد و الان پرستار اتاق عمل است. او برای خودش خانه و زندگی دارد و مادام با دوستانش تفریح می کند. اما من

گروه حوادث- شاگرد قهوه خانه برای انتقام از خواهر پرستارش با طرح ادعایی دروغین او را به دادرسی جنایی کشاند. آن ماه پسر ۲۵ساله ای به کلانتری ۱۲۹ جامی رفت و مدعی شد در یک توطئه خانوادگی پدرش را با همدستی مادر و خواهرش به قتل رسانده اند. وی در تشریح ماجرا گفت: ۱۱ سال قبل من و مادر و خواهرم، پدرم را در مشهد کشتیم و با صحنه سازی، قتل او را خودکشی جلوه دادیم. بعد هم به تهران نقل مکان کردیم تا کسی به راز ما پی نبرد. روز حادثه دوباره باهم دعویاتان شده بود. وقتی وارد خانه شدم مادر و تکه پارچه ای داشت مادرم را خفه می کرد از دیند این صحنه به قدری عصبی شده که به طرف پدرم هجوم بردم و بعد از اینکه مادرم را از دستش نجات دادم، همان پارچه را دور گردن پدرم پیچیدم تا کسی به راز ما پی نبرد. روز حادثه دوباره باهم دعویاتان شده بود. وقتی وارد خانه شدم مادر و تکه پارچه ای داشت مادرم را خفه می کرد از دیند این صحنه به قدری عصبی شده که به طرف پدرم هجوم بردم و بعد از اینکه مادرم را از دستش نجات دادم، همان پارچه را دور گردن پدرم پیچیدم تا کسی به راز ما پی نبرد. روز حادثه دوباره باهم دعویاتان شده بود. وقتی وارد خانه شدم مادر و تکه پارچه ای داشت مادرم را خفه می کرد از دیند این صحنه به قدری عصبی شده که به طرف پدرم هجوم بردم و بعد از اینکه مادرم را از دستش نجات دادم، همان پارچه را دور گردن پدرم پیچیدم تا کسی به راز ما پی نبرد.

به دنبال اعترافات پسر نوجوان پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این میان پدر و مادر ارشیا اعلام گذشت کردند و گفتند حاضر به قصاص وی نیستند. ارشیا دیروز از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود و اشک می ریخت گفت: باور کنید من نمی خواستم برادرم را بکشم. هنوز هم باور نمی کنم او مرده است. من پشیمانم و طلب بخشش دارم.

وقتی پسر جوان چنین ادعایی را مطرح کرد، مادر و خواهر او یکبار دیگر مورد بازجویی قرار گرفتند، اما آن ها گفتند ایسن جوان دچار بیماری روانی است. مادر قرار گرفت و به تحقیق از پدر و مادر اردشیر پرداخت. تناقض گویی های این زوج شک پلیس را برانگیخت و آن ها که سعی در پنهان کردن حقیقت داشتند به ناچار لجب به اعتراف گشودند و گفتند پسر کوچک شان به نام ارشیا برادرش را کشته است. ارشیا زود ارشیا بازداشت شد و قتل را گردن گرفت. ارشیا گفت: شب قبل از این ماجرا دیر به خانه برگشتم و برادر بزرگم اردشیر از این موضوع عصبانی شد و مرا کتک زد.

گروه حوادث- پسر نوجوان در دعوی خانوادگی و مقابل چشمان مادرش برادر بزرگ ترش را کشت. بهمین سال ۹۷ زن و مردی که بسیار هراسان بودند یکتر نیمه جان پسر ۲۰ساله شان به نام اردشیر را به بیمارستان الغدیر منتقل کردند و مدعی شدند خانه شان در تهراتپارس از سوی چند مرد ناشناس مورد حمله قرار گرفته و او زخمی شده است. اردشیر تحت درمان قرار گرفت، اما به خاطر بریدگی عمیق در سینه اش تسلیم مرگ شد. بدین ترتیب، پلیس در جریان پرونده قتل

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

به یک نیروی آقا زیر ۳۰ سال جهت سرایداری نیازمندیم
۰۹۱۲۲۲۳۶۴۴۷ - ۰۹۱۲۲۲۹۷۵۱۵۴
ساعت تماس: ۱۰ صبح الی ۲۲

استخدام

مفقودی

تعمیرات تخصصی
انواع کولر گازی - یخچال - لباسشویی
۰۹۳۴۷۶۹۰۵۲۵

خدمات

منشی خانم مسلط به کامپیوتر
و آشنا به دفتر مهندسی
شماره تماس ۰۹۳۹۴۰۱۹۵۱۹

اصل دفتر چه کار به نام آقای علاءالدین تاجک
تبعه کشور افغانستان به شماره دفترچه ۱۹۵۹۶
مربوط به شرکت بی تا انرژئی پارس کیش مفقود
گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

تاسیسات برق ساختمان و نصب لوستر
فوری با یک تلفن
۰۹۱۰۳۹۶۸۰۳۵

در مغازه خود، از ترکیه
راحت خرید کنید و در
کیش تحویل بگیرید. (عمده)
با بهترین قیمت
تلگرام و واتساپ ترکیه: ۰۰۹۰۵۵۲۶۱۲۶۳۱۰
ایران: ۰۹۱۰۹۰۸۲۹۲۶ محسنیان

به نیروی خدماتی خانم/ آقا با سواد
نیازمندیم
۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

اصل کارت کیشوندی خانم پروانه رجب وندی
فرزند توکل به شماره پرونده ۱۰۷۷۴۷/۰۱
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ
فقط با یک تلفن
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

تاسیسات ساختمان
آب-برق- کلیه امور
کلی و جزئی
توانا ۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

به یک نفر خانم با تحصیلات کارشناسی گردشگری
جهت کار در امور اداری هتل نیازمندیم
۰۹۱۲۳۰۸۶۸۹۸ ۰۹۳۴۷۶۹۳۰۲۸

اصل سند یک دانگ از شش دانگ یک باب واحد نمایشگاهی
به شماره ثبت در دفتر ۱۴۲۹۷ به تاریخ ثبت ۸۶/۱/۱۵
و شماره قطعه یک با شماره تفکیک ۱۲۵۰/ت و شماره پلاک
اصلی نوار توسعه سیاحتی با شماره قرار داد ۱۶/۴۳۰۷۹
با کاربری نمایشگاه ادوات و ورزشی به مساحت پانصد سی متر
و سی و پنج سانتی متر مربع مجزی شده از قطعات یک و دو
نوار توسعه سیاحتی رو به روی بازار پردیس یک جزیره کیش
واقع در طبقه همکف با قدر السهم از عرصه و اعیان به نام آقای
کاظم دهقانی فرزند محمد علی به شماره شناسنامه ۱۴۲۸،
(انتقالی از سند شماره مسلسل ۰۳۵۲۶۷) مفقود گردیده و از
درجه اعتبار ساقط میباشد

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

تاسیسات ساختمان
آب-برق- کلیه امور
کلی و جزئی
توانا ۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

منشی خانم مسلط به کامپیوتر و آشنا
به دفتر مهندسی
شماره تماس ۰۹۱۲۳۷۲۳۷۸۹

به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند بیهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیاز مندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.

شهروند گرامی
کیشی!